



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴ / ۱۱ / ۰۷

یونس نگاه

ترامپ برگشت

سرنوشت «عبدل» و بند چهارم توافقنامه دوحه چه خواهد شد؟

پیروزی دونالد ترامپ از سوی امریکایی‌ها و ناظران بین‌المللی اتفاق بسیار مهم و تاریخی توصیف شده است. می‌گویند نتایج این انتخابات بر مسیر تحولات در داخل امریکا و نقش بین‌المللی آن کشور تاثیر ماندگار خواهد گذاشت. به همین دلیل خیلی‌ها در سراسر جهان می‌خواهند بدانند که آیا این اتفاق امریکایی، بر زندگی آنان نیز اثرگذار خواهد بود یا خیر. پاسخ خیلی‌ها بلی است، و جناح‌های سیاسی در سراسر جهان، از جمله در منطقه ما مشغول رایزنی و آمادگی برای اتفاقات تازه اند.

سیاستمداران افغانستان به شمول طالبان گوش‌به‌زنگ‌اند، و می‌خواهند بدانند پیروزی ترامپ برای آنان چه پیامدی خواهد داشت. جناحی از طالبان که در مذاکرات دوحه نقش مستقیم داشتند، از برگشت او احتمالاً خوش‌اند، و فکر می‌کنند سابقه تماس و مذاکره با تیم ترامپ به آنان کمک می‌کند تا در هر تغییر احتمالی که امریکا در افغانستان بانی شود، نقش برجسته خواهند داشت. مخالفان طالب نیز احساس می‌کنند برای ترامپ توافق‌نامه دوحه ناتمام مانده و او شاید طالبان را برای تکمیل فقره چهارم آن توافقنامه تحت فشار قرار دهد.

چهار مساله اصلی توافقنامه دوحه به‌صورت مختصر این‌ها بود:

اول) خاک افغانستان برای حمله به امریکا و متحدانش استفاده نخواهد شد.

دوم) نیروهای خارجی از افغانستان خارج خواهد شد.

سوم) مذاکرات بین‌افغانی آغاز خواهد شد.

چهارم) آتش‌بس دائمی در افغانستان برقرار خواهد شد و شرکت‌کنندگان مذاکرات بین‌افغانی بر سر نقشه‌راه سیاسی آینده افغانستان توافق کرده و آن را اعلام خواهند کرد. در ادامه تاکید شده بود که این چهار مساله با هم مرتبط و وابسته‌اند. مذاکرات بین‌افغانی یکی از پرکاربردترین عبارات متن توافقنامه بود و بارها به آن تاکید شده بود. ترامپ در جریان کمپاین انتخاباتی و پیش از آن از حریفانش به‌خاطر خروج سراسیمه و ناتوانی در تطبیق مواد توافقنامه دوحه انتقاد کرده بود. او دمکرات‌ها را متهم می‌کرد که افغانستان را به چین سپرده اند و اگر خودش در قدرت می‌بود میدان هوایی بگرام را به دشمنان امریکا واگذار نمی‌کرد.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

ترامپ این را نیز گفته است که رهبران طالبان از او حرف شنوی داشتند و «عبدل» او را عالیجناب می‌خواند. معلوم نیست که ترامپ واقعاً رابطه‌ای را که اکنون میان طالبان و امریکا در جریان است دوام خواهد داد و بسته‌های دالر همچنان ارسال خواهد گردید، یا خیر آن گروه را برای از سرگیری گفتگوهای بین‌افغانی و تشکیل «حکومت اسلامی جدید پساتوافق» تحت فشار قرار خواهد داد.

اگر سیاست‌های دور اول او را معیار قرار دهیم، امیدی نمی‌رود که ترامپ برای تشکیل حکومت فراگیر طالبان را تحت فشار قرار دهد، چون در آن دور شعار اصلی او این بود که ماموریت امریکا بردن دموکراسی به افغانستان و «ملت‌سازی» نیست. ترامپ تاکید داشت که نیروهای امریکا را به‌خانه بر می‌گرداند. توافقنامه دوحه برای تسهیل برگشت نیروها امضا شد و پیام اصلی‌اش این بود که هزینه خروج نیروهای امریکایی حتی اگر نابودی همه دستاوردهای مدنی و دموکراتیک افغان‌ها باشد، عملی خواهد گشت.

با این حال در شیوه کار و ویژگی‌های شخصیتی ترامپ چیزهایی است که تحرک تازه در افغانستان را محتمل می‌سازد. سهولت لابی‌گری در دستگاه ترامپ بخشی از پیروزی ترامپ حاصل مخالفت او با بروکراسی پیچیده در نظام اداری و سیاسی امریکا است. او با درک نارضایتی عمومی از نقش بروکرات‌ها، ورق‌بازی و پروسه‌های طولانی تصمیم‌گیری، سنت بروکراتیک حاکم بر قصر سفید را هدف قرار داده و کوشیده است خود را بانی شیوه حکومت‌داری معرفی کند که در آن مثل دنیای تجارت، تصامیم به‌موقع و با کمترین بروکراسی انجام می‌شود. این شیوه کار احتمال اثرگذاری افراد و نهادهای لابی‌گر را بر او و تصامیم‌اش افزایش می‌دهد. در توافقنامه دوحه نیز او به صدای دستگاه دیپلوماسی و نظامی امریکا زیاد گوش نمی‌داد و دیدگاه‌های جنرالان و مقامات سیاسی مخالف را جدی نمی‌گرفت. در عوض صلاحیت‌های بسیار به وزیر خارجه‌اش، مایک پامپئو، و نماینده خاص‌اش زلمی خلیل‌زاد داده بود. از این‌رو نقش زلمی خلیل‌زاد در مدیریت و سمت‌دهی آن توافقنامه بسیار پررنگ بود.

این‌بار نیز احتمالاً سیاست‌های ترامپ از همان الگوهای دور اول حکومت او پیروی خواهد کرد. طبق آن الگو، ارسال نیروی نظامی و دخالت مستقیم به سیاست افغانستان محتمل به‌نظر نمی‌رسد. در عین حال ممکن است ترامپ برای مصرف داخلی و نمایاندن این که او نسبت به حریفانش در تکمیل ماموریت‌های بین‌المللی موفق‌تر است، دوسیه توافقنامه دوحه را دوباره بیرون بکشد. در صورت مطرح شدن مجدد توافقنامه دوحه، اگر نیروهای مخالف طالب ظرفیت لابی و تماس با قصر سفید را داشته باشند، فقره چهارم آن توافقنامه (گفتگوی بین‌افغانی و توافق بر سر نقشه راه سیاسی) برجسته خواهد شد. اگر لابی‌های پاکستان و طالبان پیشی بگیرند، در آن صورت ادامه چانه‌زنی بر سر توافقنامه دوحه به مسیر دیگری کشیده خواهد شد و احتمال دارد دو طرف بر سر این بحث کنند که آیا طالبان در انجام تعهد اصلی‌اش، یعنی جلوگیری از استفاده خاک افغانستان علیه منافع امریکا و متحدانش، موفق بوده و در نتیجه مستحق رسمیت و مساعدت‌های بیشتر است یا خیر.

اگر به هر دلیلی ترامپ تصمیم بگیرد که به مساله افغانستان توجه خاص کند، آن‌گاه احتمال برگشت خلیل‌زاد به پروژه افغانستان افزایش خواهد یافت. خلیل‌زاد ماموریت‌های اصلی‌اش را در حکومت‌های جمهوری‌خواهان انجام داده است، و دور از احتمال نیست که این‌بار نیز او را در اداره ترامپ ببینیم. برگشت خلیل‌زاد، راه تماس افغان‌ها با رییس جمهور امریکا را کوتاه‌تر می‌کند و خیلی از سیاست‌مداران و گروه‌های فعال می‌توانند از طریق او بر پالیسی ایالات متحده در

امور افغانستان اثر بگذارند. مثل دفعه قبل باز هم سوال اصلی این است که آیا طالبان و لایبان خارجی آن گروه موثرتر و منسجم‌تر عمل خواهند کرد یا مخالفان طالبان؟

عنصر چین در مساله افغانستان

ترامپ مخالف دوام جنگ اوکراین است و تاکید دارد که امریکا نیرویش را باید به مهار چین متمرکز کند نه درگیری با روسیه. اگر او قادر شود که جنگ اوکراین را متوقف کند یا با کاهش کمک‌ها به اوکراین زمینه گفتگوهای صلح بین آن کشور و روسیه را فراهم سازد، در آن صورت چین بیشتر از حالا به محراق توجه سیاست خارجی امریکا قرار خواهد گرفت. بازی اصلی بین چین و امریکا در جنوب شرق آسیا جریان خواهد داشت، اما مسیرهای ترانزیت و تجارت چین در آسیای میانه و جنوب آسیا نیز میدان رویارویی خواهد بود. پس از خروج نیروهای امریکا، حضور چین در افغانستان بسیار پررنگ شده است. سرمایه‌گذاری‌های چین از سر گرفته شده، و تماس‌های سیاسی و دیپلوماتیک بین طالبان و چین تا مرز معرفی سفیران رسمی پیش رفته است. ترامپ بارها در سخنرانی‌های کمپاینی‌اش گفته است که دولت جو بایدن افغانستان را به چین واگذار کرده است. آیا او برای کاهش نفوذ چین در افغانستان، طالبان را تحت فشار قرار خواهد داد، و از مخالفان طالبان حمایت خواهد کرد؟ این نیز بستگی به توانایی مخالفان طالبان خواهد داشت. اگر مخالفان بدیلی ارایه بتوانند و از میان‌شان کسانی قادر به تشکیل نیرویی شوند که طالبان را به چالش بکشد، آن‌گاه ممکن است توافقنامه دوحه ابزار فشار جدی علیه طالبان گردد و بازی گفتگوی بین‌افغانی از سر گرفته شود.



آرشیف: نو یسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ